

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ مارچ ۲۰۱۹

ورود زنان "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" در جنگ قدرت!

۵

چهارشنبه-۱۵ حوت ۱۳۹۷- کابل: در قسمت های قبلی این مختصر سیر و چگونگی دخول "شرل بنارد" همسر "زلمی خلیلزاد" که ظاهراً در تقابل با "روغنی" بود مگر در اصل اهانت به تمام زنان افغانستان را در نوشته اش جای داده است، دیدیم. در این قسمت با آن که اعتقاد عمیق دارم که زنان افغان خود ده ها و صد ها بار بهتر از من می توانند و قادر اند از هویت تاریخی-مبارزاتی خویش دفاع نمایند، با آنهم به مثابه ادای وظیفه در قبال مادرم، خواهرم، همسرم و دخترم که در نوشته "شرل بنارد" مورد اهانت قرار گرفته اند، چند نکته می نگارم امیدوارم تمام قلم به دستان افغان در این عرصه وارد شده، به این "پتیاره استعماری" بفهمانند که در فرهنگ ما "یک عروس" با "خسران خیل" خود چگونه برخورد می نماید و از همه اولتر به شوهر خیانتکار و میهنفروش نیز تفهیم نمایند که متوجه همسرش باشد و ما را وادار نسازد تا با ارزش ها و معیار های اخلاقی-اجتماعی کشور ما راجع به وی قلم بزنیم:

۱-- "شرل بنارد" در دفاع از سیاست های امریکا و عملکرد های شوهرش نخست خود را در پناه دستاوردهای زنان دلیر امپریالیسم امریکا پنهان نموده از آن سنگر وضعیت کنونی افغانستان و حیات اجتماعی زنان آن را ناشی از برخوردهای نادرست، جبونانه، طمعکارانه، عقبمانده و سازشکارانه خود زنان افغان می داند، در جواب این "خانم" باید نگاشت:

الف- آنچه را به مثابه دستاورد زنان امریکا یاد نموده است به وی و افرادی از طبقه وی هیچ ارتباطی نداشته و ندارد آن دستاورد ها بخشی از دستاورد های طبقه کارگر امریکا به مثابه بخش انفکاک ناپذیر پرولتاریای بین المللی بوده است که به گواهی تاریخ در تقابل خونین با جامعه مردسالار امریکا و نمایندگان سیاسی آن متشکل از مردان طبقات حاکم و زنان طبقات حاکم به دست آمده است. آن دستاوردها محصول حرکت های فمینیستی و خاص زنانه نبوده است، بلکه بخشی از مبارزه طبقاتی پرولتاریای امریکا به مثابه بخشی از پرولتاریای بین المللی صورت گرفته است. خانم "شرل" باید بفهمد که یاددهانی از آن مبارزات و دستاورد های آنها، چیزی به جز تف سربالا و محکوم نمودن افرادی از طبقه و قماش خودش و شوهرش نیست.

ب- از منظر تاریخی دستاوردهای زنان امریکا و در کلیت آن جهان غرب را به رخ زنان افغانستان و سایر کشور های شرقی کشیدن، نمایانگر دو نکته به هم پیوسته می باشد. یکی آن که گوینده از تاریخ هیچ اطلاعی ندارد و نمی داند که

در شرق و به خصوص در کشور ما افغانستان در بطن جامعه و فرهنگ مردسالار زنانی از سنخ و تبار "رابعه بلخی"، ملکه "گوهرشاد" و ... نیز در بین طبقات حاکم می زیستند و از سهم خود در ساختن جامعه دفاع می کردند که در غرب فکر و ذکر زنان مرفه را چگونگی حفظ گرمی بستر می ساخت و اگر در مقاطعی "ژان دارک" هائی اینجا و آنجا ظهور نموده است، بالمقابل نعره رسانی "ملالی میوند" وجدان مبارزاتی افراد را در طول اعصار زنده و پویا نگه داشته و می دارد.

نکته دوم می رساند که گوینده چنان جملاتی آگاهانه تلاش دارد تا نقش بازدارنده استعمار حین رشد طبیعی جوامع را کتمان نماید. به این خانم باید فهماند که اگر زنان امریکا بعد از ایثار و فداکاری زنان طبقه کارگر موفق شدند ۱۹۲۰ حقوق چندی را به جامعه مردسالار بقبولانند در کشوری مانند افغانستان و همسایگانش زنها سالها و قرنهای قبل از آن با در رأس قدرت قرار داشتن به آن حق نایل آمده و در همین افغانستان عصر امانی "۱۹۱۹-۱۹۲۹" زنان افغان دارای حق و حقوقی بودند که زنان سوئیس در دهه ۶۰ میلادی بدان نایل آمدند.

و اما این که علی رغم آنهمه دستاوردها چرا چرخهای تاریخ به عقب بر می گردد، می باید خانم "شرل" از اجداد انگلیس شان بپرسند که چرا علیه نهضت امانی و در مقابله با آن، با استفاده از نوشادر، ارتجاع هار مذهبی را به جان مردم افغانستان انداخت.

پ- خانم "شرل" با گستاخی تمام ضمن سرقت دستاورد زنان پرولتر و آن را ماحصل طبقه خود معرفی داشتن، به زنان افغان بی عملی و بی توجهی به سرنوشت شان را تهمت بسته، به نحوی می خواهد تاریخ را سرچپه بنگارد. به این "خانم" باید یاددهائی نمود:

درست زمانی که شوهر مبارکت دست جنایتکاران وابسته به اسلام سیاسی را به دربار قاتل خلقهای ایران، عراق، نیکاراگوا، لیبیا، افغانستان و... یعنی "رونالد ریگان" می برد در کشور ما افغانستان دختران و زنانی از تبار "ناهد" ها و "مینا" ها و صد ها و هزاران قهرمان گمنام دیگر، با چنان عظمتی حضور فعال داشتند که اگر خون یکی به وسیله سربازان ارتش اشغالگر شوروی بر سرکهای کابل ریخت خون آن دیگری توسط متحدان و نورچشمی های "سیا" بخوانید همانهایی که شوهر "مبارکتان" در همسوئی و با استفاده از ارتباطات آنچنانی شخص شما با نهاد های استخباراتی دست شان را گرفته به ملاقات با ریگان برده بود، در پاکستان به فجیع ترین وضعی به قتل رسیده، کارنامه ننگین استعمار و ارتجاع را ننگینتر نمود.

ت- خانم "شرل" زنان افغان از شما و از طبقه تان نه قدرت گدائی می کنند و نه هم کمک، بلکه بر شما نهیب می زنند که با خیانت به خلق افغانستان به ویژه زنان افغان، بیش از این وجدان جامعه بشری را آلوده و لکه دار نساخته، دست از کمک به طالب، داعش و در کلیت آن نیروهای استعماری و ارتجاعی بردارید. ما به این ضرب المثل مردم خود وفادار هستیم: "مارا به خیر تو امیدی نیست، شر مرسان". زنان افغان از شما نمی خواهند که به جای آنها زحمت بکشید و یا خون بدهید، بلکه از شما می خواهید که دست دشمنان شان را نگیرید و به آنها کمک نکنید.

ث- ورود به این بحث و محکوم نمودن موضعگیری های خانم "شرل بنارد" نباید چنان تعبیر گردد که گویا نویسنده و یا کسان دیگری که علیه این خانم موضع می گیرند، طرفدار "روغنی" اند. عکس آن، این قلم را عقیده بر آن است که تمام اینها اعم از مرد و زن شان خادمان استعمار اند که در مقامات جداگانه به کار اشتغال دارند. این را هم می دانیم که آزادی زنان افغانستان و به رسمیت شناختن حقوق انسانی و دموکراتیک شان فقط زمانی مقدور و متصور است که استعمار و ارتجاع هار مذهبی در کلیت آن به زباله دان تاریخ فرستاده شود. زنان افغان این را می دانند که به هیچ وجه

حق ندارند تا به "شرل" ها و یا "روغنی" دل بسته اعتماد کنند بلکه می باید با تکیه به نیروی خود در میدان رزم حقوق و آزادیهای دموکراتیک و انسانی شان را به دست آورده از آن حراست نمایند.

سرکها ما را می طلبد!!